

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

۱۰ فروری، ۲۰۲۴

ترجمه: خانم رقیه حبیب – به اهتمام . م. نظام

زنان افغان

تعلیم و فعالیت های اجتماعی در عصر امانی

۱۹۱۹ – ۱۹۲۹

قسمت دوم



در قسمت اول یک سلسله اوضاع معارف افغانستان در عصر امیر حبیب الله خان و قبل از نهضت عصر درخشان امانی پیشکش خوانندگان محترم گردید، اینک به تدریج قسمت های بعدی را با شگوفایی معارف دختران قبل از سقوط آن دوره درخشان ادامه می‌دهیم. م. نظام

در آغاز این سده، وقتی امیر حبیب الله خان عفو تبعید شدگان رژیم گذشته را اعلان کرد، محمود طرزی به افغانستان برگشت و یک عده افکار و نظریات تازه و واقعی را که در مدت اقامت در امپراطوری عثمانی واجد گردیده بود، به افغانستان معرفی نمود و در طول دو دهه پس از برگشت خود، نفوذ زیادی بر دربار وارد کرد. او نظریات خود را ضمن موضوعات مختلفه در باره آزادی ملی، علوم، انکشاف تکنالوژی، اتحاد مسلمانان، کسب دانش و نقش زن در حیات فامیلی، حیات اجتماعی و تعلیم و تربیت در سراج الاخبار «۱۹۱۱ – ۱۰۱۸» که به اجازه امیر نشر میشد، منعکس نمود.

شهزاده امان الله خان نه تنها در حلقه هواخواهان او شامل گردید، بلکه پیوند فامیلی با او بست و دختر سومی او را بنام ثریا در سال ۱۹۱۳ به عقد ازدواج خود در آورد. فامیلی که او در آن وارد شد با خانواده ایکه وی در دربار تان آنوقت شناخته بود و هم با جامعه و اجتماع کابل تفاوت داشت. ثریا و خواهران او وقتی به افغانستان رسیدند، توسط مادر و پدری که خارج از افغانستان زیسته بودند، در منزل تعلیم فرا گرفتند. پدر و مادر شان در امپراطوری عثمانی، دمشق که زادگاه اسما رسمیه بود، زنگی کرده بود و در دمشق با هم ازدواج نموده بودند. اسما رسمیه دختر تاجری بود بنام صالح محمد خان مؤزن مسجد امویان، زنی با فرهنگ، تحصیل کرده و آرزومند این بود که جامعه افغانی به زن موقف عادلانه تری فراهم سازد. او برای دختران خود مکتبی نو بود که تا آنوقت وجود نداشت. طرز لباس پوشیدن غربی را رواج داد، با گشایش مکتب مستورات، ثریا با پشتیبانی امیر و والدین خویش به عنوان مفتشه از تأسیس مکتب ریاست میکرد. مادرش مدیره مکتب و خواهر بزرگترش خیریه ملقب به بی بی شامی به حیث نایب مدیره، گروهی بودند مؤسس و تا انجام در انکشاف آن سهم.

مکتب مستورات در محیط قصر شاهی نه، بلکه در ناحیه شهر آرا در منزلی متعلق به علی احمد خان، شخصیت مغضوب که قبلاً عهده وزارت داخله «نظارت داخلی» را بدوش داشت، واقع بود. مکتب دارای پنجاه شاگرد مرکب از دختران خردسال، جوان، شاهدخت ها و برادرزاده های ناسکه و عموزاده های امیر امان الله خان بودند که دو صنف را تشکیل میدادند.

زنان باسواد به صفت معلم تعیین شدند. البته عده آنها که در یک محیط فاقد مکتب و تعلیم اساسی زیسته بودند، زیاد نبود. آنها در کانون خانواده های دانشمند آموزش متکی به تعالیم دینی و غیر آنرا فراگرفته و پیشتازان گمنام تعلیم و تربیت نسوان باقی ماندند. از میان آنها یکی مریم معلمه فارسی و تاریخ صبیبه عبدالباقی خان، اهل سرخاب میمنه بود که در حرم نصرالله خان برادر امیر حبیب الله خان رابطه داشت و اطفال شان را درس میداد؛ دیگری حمیرا خواهر زاده او، صبیبه رسام معروف، غلام محمد خان متصدی هنر بود. آمنه الرسول والده میر غلام حضرت متخلص به شایق جمال، صبیبه میر غلام فاروق معروف به آخوند که در گذشته هم معلمه فارسی شاهدخت ها در دربار بود. همچنان والده میر عتیق الله موسوم به فاطمه، خدیجه معلمه خیاطی، دختر کاکای ملکه که علاوه بر خیاطی، موسیقی هم درس میداد و نیز یکنفر خانم هندی که جغرافیه و حساب درس میداد، خواهر یا زوجه یک مهاجر مسلمان هندی بود «که عده زیادی از آنها آنوقت در کابل مقیم بودند». یقین است که این ها نام های فراموش ناشدنی هستند.

با بلند رفتن عده شاگردان، بزودی پنج صنف ابتدایی تشکیل و مکتب تبدیل گردید. اول جای و مقر آن در قلب شهر ده افغانان مقابل حوض مرغابی ها نقل مکان نمود. این عمارت که بنام گلستان سرای یاد میشود، بسیار وسیعتر و یک بنای متعلق به «ببو جان» همسر امیر عبد الرحمن خان بود که پس از فوت امیر در آنجا زندگی میکرد و آنرا به مکتب بخشید.

سه نفر جدید مشغول امور مکتب شدند، دو خواهر، دختران کاکای ملکه به نام های بلقیس و روح افزا دختران محمد زمان خان که اولی مدیره مکتب و دومی سکرتر «منشیه» بوده و یک مبصره موسوم به فیروزه ملقب به بدرالساری که یکی از زوجه های امیر حبیب الله خان و اهل نورستان بود. ملکه و خواهر دیگرش موسوم به حوری به مقام سر مفتش مکتب باقی ماندند. از سوی دیگر تعداد معلمات هم ازدیاد یافت، عایشه ملقب به بی بی خوری معلمه قرآن مجید و دنیات، بی بی خواجه معلمه آشپزی و یکی هم بی بی کو نامه.

در عین زمان معلمان مرد هم به مکتب وارد شدند و خود امیر امان الله خان در را کشود و اصول تعلیم الفبا را بنام «طرز غازی» مورد تطبیق قرار داد «غازی لقبی بود که به پاداش حصول استقلال کشور افغانستان به او افتخار داده شده بود». معلم دیگر غلام محمد خان رسام بود که از او نام بردیم که پس از مراجعت از آلمان در سال ۱۹۲۳ بحیث معلم رسم انتخاب گردید و دو نفر از شعرا هم به نام های صوفی عبدالحق بیتاب و قاری عبدالله معلمان دری و فیض محمد خان که از وزارت خارجه به وزارت معارف تبدیل شده بود، در ارتباط با روابط اجتماعی سخنرانی میکرد و یک نفر هندی به نام سید جمال الدین معلم ریاضی که سابق معلم مکتب حبیبیه بود و نیز شخصی به نام محمد عزیز خان ملقب به نادر در مکتب مستورات گماشته شدند.

آخرین دسته از معلمات، خارجی ها بودند که سر انجام آنها نیز به مکتب دختران راه یافتند؛ اینها کسانی بودند که به عناوین مختلفه به افغانستان آمده بودند. یکی از آن میانه عادلہ حیدر از ترکیه همسر یکی از صاحب منصبان اردو بود و بعد از سال ۱۹۲۵ خانم آیوین همسر مدیر مکتب جدید آلمانی بحیث معلمه آشپزی و امور منزل و خانم آلمانی دیگری موسوم به خانم الف خان و یک نفر سویسی هم بنام کولن که معلمه دربار بود و بالاخره یکدسته از هندی ها که همسران مهاجران هندی در کابل بودند در مکتب مستورات استخدام شدند. لاینک قسمت اول در پایان صفحه.

پایان قسمت دوم

<http://www.esteglaal.net/images/M.Eskinazi-Zanan-Afghan.pdf>